

روایت خانواده‌های شهدا نشان می‌دهد حجاب برای آنان تنها یک الزام ظاهری نیست، بلکه بخشی از دغدغه سلامت فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

به گزارش خبرگزاری مهر، این روزها کافی است چند دقیقه‌ای در خیابان‌های شهر، مراکز خرید، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی یا حتی فضای مجازی حضور داشته باشیم تا با واقعیتی مواجه شویم که دیگر نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد؛ مسئله حجاب و تغییر تدریجی الگوی پوشش در جامعه، به یکی از موضوعات پررنگ اجتماعی تبدیل شده است. در میان رفت‌وآمد روزمره مردم، نوع پوشش برخی افراد با آنچه سال‌ها به عنوان الگوی غالب در جامعه شناخته می‌شد فاصله گرفته و در کنار آن، بحث درباره چرایی این تغییر، نحوه مواجهه با آن و مسئولیت خانواده، جامعه و نهادهای فرهنگی بیش از گذشت مطرح است. حجاب در جامعه ایران صرفاً یک انتخاب فردی یا موضوعی مربوط به نوع پوشش نیست و در طول سال‌های گذشته، همواره در پیوند با مسائل فرهنگی، اجتماعی و هویتی مورد بحث قرار گرفته است. با این حال، امروز آنچه بیش از گذشته به چشم می‌آید، افزایش نموده‌ای بی‌حجابی و بدحجابی در بخش‌هایی از جامعه و هم‌زمان شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت درباره شیوه مواجهه با این پدیده است؛ موضوعی که موافقان و منتقدان سیاست‌های موجود هر یک از زاویه‌ای متفاوت درباره آن سخن می‌گویند.

روایت قابل تأمل خانواده شهدا از حجاب

در این میان، خانواده‌هایی قرار دارند که بخشی از عزیزترین اعضای زندگی خود را در راه دفاع از کشور، مردم و ارزش‌هایی که به آن باور داشتند از دست داده‌اند. برای آنان، سخن گفتن از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تنها یک بحث نظری نیست؛ خاطرات فرزند، همسر یا پدری که دیگر در کنارشان نیست، با بسیاری از این مفاهیم گره خورده است. همین موضوع، روایت خانواده‌های شهدا از وضعیت فرهنگی و اجتماعی امروز را به روایتی متفاوت و قابل تأمل تبدیل می‌کند؛ روایتی که می‌تواند بخشی از دغدغه، نگرانی‌ها و در عین حال نگاه آنان به شیوه مواجهه با نسل جوان را بازتاب دهد.

البته بررسی مسئله حجاب تنها با اشاره به وضعیت موجود کامل نمی‌شود. آنچه در این میان اهمیت دارد، شنیدن صداهای مختلف جامعه و توجه به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری این وضعیت است؛ از نقش خانواده به نظام آموزشی و فرهنگی گرفته تا تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی، تغییرات سبک زندگی و نحوه عملکرد دستگاه‌های مسئول. برخورد با این مسئله نیز زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که در کنار توجه به قانون، ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن مورد توجه قرار گیرد و به جای نگاه صرفاً مقطعی، برای آن راهکاری پایدار ا قناعت‌کننده در نظر گرفته شود. در همین راستا و با هدف شنیدن دیدگاه خانواده‌های شهدا درباره وضعیت حجاب و پوشش در جامعه امروز، با شماری از این خانواده‌ها گفت‌وگو داشتیم؛ خانواده‌هایی که هر یک از زاویه تجربه شخصی و خاطراتی که از عزیزان شهید خود دارند، درباره جایگاه حجاب، تغییرات فرهنگی جامعه و نحوه مواجهه با نسل جوان سخن می‌گویند. روایت آنان، فارغ از تفاوت در نوع نگاه و شیوه بیان، بازتاب بخشی از دغدغه‌هایی است که امروز درباره حجاب، فرهنگ و آینده اجتماعی جامعه مطرح می‌شود.

فراری دادن بچه‌ها از سیاه‌چاله گوشی با جادوی بازی‌های آپارتمانی

شام خوردن‌های در سکوت و چشم‌های دوخته شده به صفحه موبایل تصویر تلخ عصرهای امروز ماست. برای پاره کردن این پیله انزوا و بازگرداندن شور زندگی به خانه باید جادوی بازی‌های آپارتمانی را یاد بگیریم.

به گزارش فارس، خانه‌های کوچک شصت‌متری و خستگی مفرط والدینی که برای تأمین معاش در تاکاپو هستند گاهی رمقی برای دور هم نشستن باقی نمی‌گذارند اما ما توانمندی شگرفی برای خلق دوباره صمیمیت داریم و می‌توانیم با بازی‌های آپارتمانی مرزهای عاطفی اعضای خانه را پیوند برزیم. چنان که امام کاظم علیه‌السلام در بیانی راهگشا می‌فرماید شایسته است که کودک در خردسالی آزادی عمل و جست‌وجیز داشته باشد تا در بزرگسالی به فردی

بی‌بند و باری در جامعه

پیامدهای عظیمی برای جامعه دارد

همسر شهید ابوالفضل حسین‌علی فردی، از میان خاطرات و تجربه‌ای که سال‌ها با خود به همراه دارد، وقتی از وضعیت امروز جامعه و تغییرات ایجادشده در نوع پوشش سخن می‌گوید، ابتدا بر یک مرزبندی تأکید می‌کند؛ مرزی میان «آزادی و استقلال» با آنچه به باور او امروز در بخشی از جامعه به عنوان آزادی تعبیر می‌شود.

وی معتقد است آنچه این روزها در خیابان‌ها دیده می‌شود، نمی‌توان صرفاً با عنوان آزادی توصیف کرد و می‌گوید: اگر بی‌بندوباری در جامعه به حال خود رها شود، با گذشت زمان می‌تواند به ترویج رفتارها و هنجارهایی منجر شود که پیامدهای آن تنها به نوع پوشش محدود نخواهد ماند.

همسر شهید فردی با تأکید بر اینکه حجاب را نباید صرفاً در قالب یک لباس یا پوشش دید، تصریح می‌کند: «واقعاً فقط یک پوشش نیست، لباس نیست.»

وی در عین حال، از مسئولان می‌خواهد در مواجهه با این مسئله، از افراط و تفریط فاصله بگیرند و با توجه به عرف جامعه، راهکاری متناسب اتخاذ کنند؛ نه آنکه با سخت‌گیری‌های بیش از اندازه، فاصله‌ای میان جامعه و سیاست‌های فرهنگی ایجاد شود و نه اینکه وضعیت به گونه‌ای پیش برود که بی‌بندوباری به یک امر عادی تبدیل شود.

مسئله حجاب تنها نوع پوشش نیست

وقتی قرار است از شهید علی حیدرزاده سخن گفته شود، شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «آزوی شهادت» نتواند تصویر روشنی از روحیه او ارائه دهد؛ جوانی متولد سال ۱۳۸۰ که تازه مدرک کارشناسی مهندسی نرم‌افزار

خود را گرفته بود، اما سرنوشت برای او مسیر دیگری رقم زد. علی حیدرزاده ۱۱ اسفندماه، در حالی که در محل کار خود حضور داشت، در پی اصابت محل کارش مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. همسر شهید حیدرزاده می‌گوید: است که شهادت برایش تنها یک آرزوی دور نبود؛ بارها از آن سخن گفته بود و دغدغه‌هایی داشت که حتی در زندگی روزمره‌اش نیز خودش را نشان می‌داد. یکی از این دغدغه‌ها، وضعیت حجاب در جامعه بود؛ موضوعی که به گفته خانواده، ذهن او را درگیر کرده بود و از اینکه چرا وضعیت پوشش در جامعه به این سمت رفته، گلایه داشت.

همسر شهید حیدرزاده می‌گوید: همسر شهید فردی تأکید می‌کند که حجاب برای یک زن می‌تواند نوعی عزت نفس و اعتماد به نفس ایجاد کند و به ظاهر پوشش فرد محدود نمی‌شود، بلکه با شأن و احترامی که فرد برای خود و جامعه قائل است نیز ارتباط دارد. وی در نهایت با طرح این مطالبه از مسئولان که نسبت به وضعیت موجود بی‌تفاوت نباشند، خواستار آن است که مسئله حجاب با دقت، تعادل و شناخت درست از شرایط جامعه دنبال شود؛ چرا که به باور او، اگر قرار است از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی صیانت شود، این صیانت باید به‌گونه‌ای باشد که هم از بی‌بندوباری جلوگیری کند و هم گرفتار افراط و برخورد‌های خارج از عرف هستند و نمی‌توان نسبت به ارزش‌هایی که خانواده، سخنان رهبر انقلاب درباره حجاب و همچنین تأکید شهدا بر حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را در کنار وضعیت امروز جامعه قرار می‌دهد. از نگاه خانواده شهید، خون شهدا برای دفاع از مردم، کشور و امنیتی ریخته شده است که امروز مردم از آن بهره‌مند هستند و نمی‌توان نسبت به ارزش‌هایی

نست، بخشی از حرف‌های او برای نزدیکانش معنای دیگری پیدا کرده است؛ حرف‌هایی که شاید در روزهای عادی سداه به نظر می‌رسید، اما پس از شهادتش به بخشی از میراث فکری جدی شود؛ چراکه به باور او، وقتی شهدا برای حفظ امنیت و آرامش مردم جان



موقفیت‌ها، علاقه‌ای نداشت کسی از جایگاه و توانمندی‌هایش برای او تعریف کند، حتی به مادرش تأکید کرده بود اگر برای خواستگاری می‌روند، درباره محل کار و موقعیت او چیزی نگویند و اجازه ندهد دیگران به خاطر عنوان و جایگاهش درباره او قضاوت کنند.

باشند. او معتقد است اگر کارمند یک دستگاه دولتی در محیط رسمی حضور دارد، رعایت چارچوب‌های اداری باید از همان محیط آغاز شود و الگوی رفتاری مسئولان و کارکنان نیز با سیاست‌های فرهنگی کشور هماهنگ باشد. ام‌ا تمام این انتقاده‌ها، در نهایت به یک نقطه بازمی‌گردد؛ امیرحسین، مادری که میان آشک‌هایش از وضعیت جامعه سخن می‌گوید، در حقیقت از فرزندی حرف می‌زند که می‌توانست امروز در کنار او باشد، کار کند، ازدواج کند و زندگی خودش را بسازد؛ اما در ۲۲ سالگی، در جنگ ۱۲ روزه، جانش را برای کشور گذاشت.

او با یادآوری همین موضوع می‌گوید امنیت‌که امروز مردم از آن برخوردارند، به سادگی به دست نیامده است. جوانانی مانند امیرحسین، به گفته او، از آینده خود گذشتند تا مردم بتوانند از آرامش زندگی کنند و همین مسئله باعث می‌شود خانواده‌های شهدا نسبت به آینده کشور و وضعیت فرهنگی آن حساس باشند.

مادر امیرحسین یوسفی حالا از مسئولان می‌خواهد فاصله میان حرف و عمل را کمتر کنند؛ اگر از حجاب و فرهنگ سخن گفته می‌شود، برای آن برنامه فرهنگی واقعی داشته باشند، اگر از حرمت شهدا گفته می‌شود، حرمت گلزارهای شهدا حفظ شود و اگر از نسل جوان انتظار دارند ارزش‌های کشور را بشناسد، باید با زبان قابل فهم و اقناعی با او سخن بگویند. شاید بغض مادر هنگام گفتن نام امیرحسین، گویاتر از

پرهنگی؛ سکوت نهاد‌های فرهنگی و مطالبه خائواده شهدا از مسئولان

هر مطالبه‌ای باشد. او فرزندش را از دست داده، اما همچنان از آینده همین جامعه حرف می‌زند؛ جامعه‌ای که به باور او، شهیدان برای امنیت و آرامش آن جان دادند و حالا وظیفه مسئولان و مردم است که اجازه ندهند در کنار امنیتی که با خون آنها به دست آمده، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی کشور نیز به تدریج فرسوده شود.

مادر شهید یوسفی با انتقاد از آنچه افزایش بی‌توجهی به پوشش و حریم‌های اجتماعی در بخش‌هایی از خانواده‌های شهدا صرفاً «آزادی پوشش» نیست؛ آنان آن را زنگ خطری فرهنگی می‌دانند که اگر بدون سیاست‌گذاری، آموزش، نظارت و گفت‌وگو درست ادامه پیدا کند، می‌تواند به معضلی اجتماعی تبدیل شود که پایان مشخصی برای آن متصور نیست.

شاید مهم‌ترین نکته در سخنان خانواده‌های شهدا همین باشد؛ جامعه برای حفظ سلامت خود به قانون نیاز دارد، اما قانون بدون اخلاق و فرهنگ نیز راه به جایی نمی‌برد. مطالبه آنان، پیش از آنکه یک برخورد باشد، درخواست برای مسئولیتی است که باید به مرور عادی شود.

او در عین حال، انتقاد خود را متوجه شیوه عملکرد مسئولان نیز می‌کند و می‌گوید اگر قرار است درباره حجاب و فرهنگ عمومی سیاست‌گذاری شود، این موضوع باید از خود دستگاه‌های دولتی و محیط‌های رسمی آغاز شود. از نگاه او، نمی‌توان از مردم انتظار داشت، رعایت الگوی مشخصی از پوشش داشت، اما در برخی محیط‌های اداری، همان استانداردها جدی گرفته نشود.

این مادر شهید معتقد است مسئولان باید به جای آنکه مسئله حجاب را صرفاً در قالب برخوردهای انتظامی ببینند، به سراغ ریشه‌های فرهنگی آن بروند. او تأکید می‌کند که مدرسه، خانواده و دستگاه‌های فرهنگی باید سهم جدی‌تری در آموزش مفاهیمی مانند حیا، احترام اجتماعی و پوشش مناسب

مادر می‌گوید: امیرحسین «چراغ خاموش» زندگی کرد؛ بی‌ادعا، محجوب و آرام. شاید همین تصویر است که حالا در ذهن مادر پرنرگتر از همیشه مانده است؛ تصویری از پسری که هنوز فرصت زیادی برای زندگی داشت، اما جنگ، آینده‌ای را که خانواده برایش تصور کرده بود، ناتمام گذاشت.

روایت مادر اما تنها به خاطرات شخصی از امیرحسین محدود نمی‌شود. او وقتی از فرزندش و دلیل شهادتش سخن می‌گوید، به دغدغه‌های فرهنگی شهیدش نیز اشاره می‌کند و حجاب را یکی از موضوعاتی می‌داند که نسبت به وضعیت آن در جامعه

مادر شهید یوسفی تأکید می‌کند که مطالبه خانواده‌های شهدا نباید به معنای کنار گذاشتن کسی از جامعه یا ایجاد فاصله میان مردم باشد؛ بلکه سخن آنها درباره رعایت حرمت مکان و احترام به خانواده‌هایی است که عزیزترین افراد زندگی خود را در راه کشور از دست داده‌اند.

وی سپس به مسئولان بازمی‌گردد و می‌گوید: اگر دغدغه حجاب و فرهنگ عمومی واقعاً جدی است، باید برای آن راه‌حل ارائه شود. به اعتقاد او، مردم از مسئولان تنها طرح مسئله نمی‌خواهند؛ بلکه انتظار دارند برای مشکلات فرهنگی، برنامه‌ای روشن، مستمر و قابل اجرا داشته باشند.

در نگاه این مادر، شهیدان باید از مجموعه‌های تحت مدیریت خود آغاز کنند و سپس از جامعه مطالبه داشته

دغدغه‌هایی از این جنس را جدی بگیرند و مسئله حجاب را به موضوعی فرعی یا صرفاً ظاهری تقلیل ندهند. روایت علی، در نهایت با آرزویی که برای کشورش داشت به پایان می‌رسد؛ اینکه مردم در امنیت و آرامش زندگی کنند، کشور از گزند دشمنان در امان بماند و ایران روزی به دست امام زمان(عج) برسد و جامعه‌ای امام‌زمانی شکل بگیرد؛ آرزویی که همسرش می‌گوید علی با تمام وجود به آن باور داشت و برای رسیدن به آن، خود را مسئول می‌دانست.

اگر دغدغه حجاب و فرهنگ عمومی واقعاً جدی است، باید برای آن راه‌حل ارائه شود

وقتی نام امیرحسین یوسفی به میان می‌آید، بغض مادرش اجازه نمی‌دهد روایت زندگی او ساده و بی‌دغدغه پیش برود. گاهی میان جمله‌ها مکث می‌کند، صدایش می‌لرزد و اشک در چشمانش جمع می‌شود؛ انگار هنوز باور نکرده است جوانی که تنها ۲۲ سال داشت و به تازگی مدرک مهندسی خود را گرفته بود، دیگر قرار نیست از در خانه وارد شود. امیرحسین برای خانواده فقط یک فرزند نبود؛ جوانی نخیه، محجوب و کم‌ادعا بود که به گفته مادرش، بسیاری از موفقیت‌هایش را بی‌سروصدا پشت سر گذاشت و در نهایت نیز در جریان جنگ ۱۲ روزه به شهادت رسید.

مادر از امیرحسین که حرف می‌زند، تصویری از جوانی را ترسیم می‌کند که اهل نمایش دادن خودش نبود. با معدل ۱۹ و نیم، در مسیر تحصیل موفقیت‌های مختلفی به دست آورده بود و در حوزه هوافضای سپاه نیز پذیرفته شده بود، اما با وجود این

خود را داده‌اند، بی‌توجهی به دغدغه‌های فرهنگی جامعه می‌تواند فاصله‌ای میان آرمان‌های شهدا و واقعیت امروز ایجاد کند. وی با اشاره به همین نگرانی تأکید می‌کند که درست نیست جامعه با وضعیت حجاب در امان احساس کند در برابر راه و آرمان عزیزانش شرمنداند. از نگاه او، شهدا تنها برای یک گروه یا یک قشر خاص جان خود را فدا نکردند، بلکه برای امنیت و آینده همین مردم و همین کشور به میدان رفتند و امروز صیانت از آنچه برایش جان دادند، تنها وظیفه خانواده‌های شهدا نیست.

اما روایت علی حیدرزاده فقط به دغدغه‌های فرهنگی او ختم نمی‌شود، علی بارها درباره این موضوع فکر می‌کرد که در چنین شرایطی چگونه می‌توان برای اصلاح وضعیت جامعه قدمی برداشت؛ اینکه آیا باید امر به معروف کرد یا راه دیگری برای اثرگذاری بر جامعه پیدا کرد. برای او، مسئله حجاب صرفاً یک بحث درباره نوع پوشش نبود، بلکه بخشی از دغدغه‌ای بزرگ‌تر درباره وضعیت فرهنگی جامعه و آینده آن بود.

این دغدغه زمانی پرنرنگ‌تر می‌شود که خانواده، سخنان رهبر انقلاب درباره حجاب و همچنین تأکید شهدا بر حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را در کنار وضعیت امروز جامعه قرار می‌دهد. از نگاه خانواده شهید، خون شهدا برای دفاع از مردم، کشور و امنیتی ریخته شده است که امروز مردم از آن بهره‌مند هستند و نمی‌توان نسبت به ارزش‌هایی

اجتماعی

Ejtemaee @kayhan.ir

سه‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵

۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۳۵

داشته باشند و این آموزش باید از سال‌های کودکی آغاز شود.

به باور او، اگر نسل نوجوان و جوان قرار است ارزش‌های مورد تأکید شهدا را بشناسد، باید فرصت گفت‌وگو و شنیدن روایت شهدا و خانواده‌های آنان را داشته باشد؛ چراکه بسیاری از جوانانی که امروز نامشان در فهرست شهدا قرار گرفته، خود روزی دانش‌آموز و جوان همین جامعه بوده‌اند و با وجود برخورداری از فرصت‌های مختلف برای زندگی، مسیر دیگری را انتخاب کرده‌اند.

مادر امیرحسین یوسفی در ادامه از گلزار شهدا نیز سخن می‌گوید؛ مکانی که برای خانواده‌های شهدا تنها یک فضای عمومی نیست. آنجا محل زیارت فرزندان، برادر، همسر یا پدری است که دیگر در خانه حضور ندارد. او معتقد است همان‌طور که برای اماکن مختلف عمومی مقررات و چارچوب‌هایی وجود دارد، گلزار شهدا نیز باید حرمت و شأن خود را داشته باشد.

گلایه او این است که گاهی برخی افراد بدون توجه به فضای معنوی این مکان، با پوشش یا رفتاری وارد گلزار شهدا می‌شوند که خانواده‌های شهدا را آزرده می‌کند. او می‌گوید خانواده‌ای که برای زیارت فرزند شهیدش آمده است، انتظار دارد حداقل در همان چند دقیقه‌ای که کنار مزار او نشستند، احساس آرامش و احترام داشته باشد و مسئولان نیز باید برای حفظ این فضا تدبیری محترمانه و روشن ببندیشند.

سکوت مسئولان و ارکان‌های فرهنگی پامال کردن خون شهداست

در پایان این گفت‌وگوها، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، یک مطالبه مشترک است؛ خانواده‌های شهدا نه از بی‌قانونی و بی‌ضابطگی دفاع می‌کنند و نه خواستار برخورد‌های افراطی هستند، بلکه از مسئولان نظارتی می‌خواهند با حفظ اخلاق، حرمت و شأن جامعه، نسبت به وضعیت فرهنگی موجود بی‌تفاوت نباشند. آنان معتقدند حجاب را نمی‌توان تنها به یک تکه پارچه و یک الزام قانونی تقلیل داد؛ مسئله، بخشی از فرهنگ عمومی و سلامت اجتماعی است و وقتی مرزهای عرفی و اخلاقی

در فضای عمومی به تدریج کمرنگ شود، آثار آن می‌تواند بسیار فراتر از نوع پوشش افراد ظاهر شود.

نگاه به جوامع مختلف نیز نشان می‌دهد که آزادی در هیچ جامعه‌ای به معنای نبود هرگونه چارچوب برای پوشش در همه مکان‌ها نیست و حتی در بسیاری از کشورهای غربی نیز برای حضور در محیط‌های رسمی، آموزش،

اداری یا عمومی، قواعد و محدودیت‌هایی وجود دارد. بنابراین آنچه امروز در بخشی از جامعه ایران دیده می‌شود، از نگاه خانواده‌های شهدا صرفاً «آزادی پوشش» نیست؛ آنان آن را زنگ خطری فرهنگی می‌دانند که اگر بدون سیاست‌گذاری، آموزش، نظارت و گفت‌وگو درست ادامه پیدا کند، می‌تواند به معضلی اجتماعی تبدیل شود که پایان مشخصی برای آن متصور نیست.

شاید مهم‌ترین نکته در سخنان خانواده‌های شهدا همین باشد؛ جامعه برای حفظ سلامت خود به قانون نیاز دارد، اما قانون بدون اخلاق و فرهنگ نیز راه به جایی نمی‌برد. مطالبه آنان، پیش از آنکه یک برخورد باشد، درخواست برای مسئولیتی است که باید به مرور عادی شود. به اعتقاد او، مردم از مسئولان تنها طرح مسئله حجاب را صرفاً در قالب برخوردهای انتظامی ببینند، به سراغ ریشه‌های فرهنگی آن بروند. او تأکید می‌کند که مدرسه، خانواده و دستگاه‌های فرهنگی باید سهم جدی‌تری در آموزش مفاهیمی مانند حیا، احترام اجتماعی و پوشش مناسب



فرمان یکی از بازی‌های آپارتمانی را به دست فرزندان سپارید تا طراوت دوباره به خانه بازگردد.



خاموش صمیمیت از میان برود. در کنار آن معجزه بازنده دقیقه زمان ویژه را جدی بگیرید و بدون نصیحت فقط

باوقار را در عمل نشان دهید و با خنده از استراژی عالی فرزندان تعریف کنید

تا این رفتار پخته را کپی کنند.

بیماری هوش هستید و کودک پزشک